

اثرات آستانه‌ای تسهیلات بانکی و توسعه مالی بر کاهش فقر در کشورهای اسلامی منتخب؛ با تاکید بر پیامدهای حاکمیت

نوع مقاله: پژوهشی

سپیده احمدی^۱

مرتضی عزتی^۲

علی اکبر خسروی نژاد^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۵

چکیده

کاهش فقر یکی از اهداف بنیادین سیاست‌های توسعه‌ای در سطح جهان است که همواره مورد توجه دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی و پژوهشگران قرار گرفته است. بهبود وضعیت اقتصادی اقشار آسیب‌پذیر مستلزم استفاده از ابزارهایی است که در میان آن‌ها، توسعه نظام مالی و افزایش دسترسی به تسهیلات بانکی نقشی کلیدی دارند. توسعه مالی از طریق تسهیل دسترسی به منابع مالی، تأمین سرمایه برای کسب‌وکارها و حمایت از خانوارهای کم‌درآمد، می‌تواند منجر به ارتقای رفاه اقتصادی و در نهایت کاهش فقر شود. با این حال، شواهد تجربی نشان می‌دهد که اثرات توسعه مالی و تسهیلات بانکی بر کاهش فقر همواره خطی و یکنواخت نیست و دارای ویژگی‌های آستانه‌ای است؛ بدین معنا که تا پیش از رسیدن به سطح معینی از توسعه مالی، اثر معناداری بر کاهش فقر مشاهده نمی‌شود، اما پس از عبور از این آستانه، نتایج مثبت و پایدار نمایان می‌گردد. این پژوهش با هدف بررسی اثرات آستانه‌ای تسهیلات بانکی و توسعه مالی بر کاهش فقر در ۱۲ کشور اسلامی منتخب طی دوره‌ی ۲۰۲۳-۱۹۹۶ و با تأکید بر نقش حاکمیت انجام شده است. روش تحقیق کاربردی و تجربی بوده و از مدل *PSSTR* (رگرسیون انتقال ملایم پانلی) برای شناسایی روابط غیرخطی میان متغیرها استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که اثر تسهیلات بانکی و توسعه مالی بر کاهش فقر وابسته به سطح توسعه مالی است و در سطوح بالاتر، این اثر تقویت می‌شود. همچنین، کنترل فساد و کیفیت مقررات به‌عنوان عوامل حاکمیتی، نقش مؤثری در تسهیل این فرآیند دارند و متغیرهایی نظیر تحصیلات، فناوری نوین و ثبات اقتصادی نیز به‌عنوان عوامل مکمل در کاهش فقر عمل می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: تسهیلات بانکی، توسعه مالی، فقر، حاکمیت دولتی، کشورهای اسلامی

طبقه‌بندی JEL: G12, E52, C24

۱ دانشجوی دکترای اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
sepideh.ahmadi1988@yahoo.com

۲ دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mezzati@modares.ac.ir

۳ استادیار، گروه اقتصاد، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
khosravinejad@gmail.com

مقدمه

توسعه مالی به فرآیند گسترش و بهبود نهادها، ساختارها و بازارهای مالی اطلاق می‌شود که با هدف افزایش دسترسی افراد و بنگاه‌ها به خدمات مالی متنوع، کارآمد و پایدار انجام می‌گیرد. این فرآیند از طریق تخصیص بهینه منابع، کاهش هزینه‌های تراکنش، مدیریت ریسک و افزایش شفافیت، نقش مهمی در ارتقای پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ایفا می‌کند و از منظر اجتماعی نیز می‌تواند با تسهیل دسترسی اقشار کم‌درآمد به خدمات مالی، به کاهش فقر و نابرابری و توسعه پایدار منجر شود (هواس بیگی و مریدیان، ۱۴۰۳). فقر همچنان یکی از چالش‌های اساسی توسعه اقتصادی و اجتماعی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است و کاهش آن علاوه بر ارتقای رفاه خانوارها، بستر لازم برای توسعه پایدار را فراهم می‌سازد. در این میان، توسعه مالی و تسهیلات بانکی به‌عنوان ابزارهای مهم سیاست‌های ضد فقر شناخته می‌شوند، زیرا می‌توانند از طریق افزایش سرمایه‌گذاری، اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی، سطح درآمد و رفاه اقشار آسیب‌پذیر را بهبود بخشند (صبوری و همکاران، ۱۴۰۲). با این حال، شواهد تجربی نشان می‌دهد که اثر توسعه مالی و تسهیلات پرداختی بر کاهش فقر همواره خطی و یکنواخت نیست، بلکه ماهیتی غیرخطی و آستانه‌ای دارد؛ به‌گونه‌ای که در سطوح پایین توسعه مالی، به دلیل ضعف نهادی، هزینه‌های بالای دسترسی به اعتبار و محدودیت‌های سیاستی، اثر معناداری بر کاهش فقر مشاهده نمی‌شود و حتی ممکن است منابع عمدتاً به گروه‌های برخوردار تخصیص یابد. تنها پس از عبور توسعه مالی از سطحی مشخص است که تسهیلات بانکی می‌تواند فرصت‌های واقعی اقتصادی ایجاد کرده و نقش مؤثری در کاهش فقر ایفا کند (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰؛ اسدی و قادری، ۱۴۰۲). یکی از عوامل کلیدی در تبیین این اثرات آستانه‌ای، ریسک اعتباری و هزینه‌های تراکنش است؛ به‌طوری‌که در نظام‌های مالی کمتر توسعه‌یافته، بانک‌ها تمایل کمتری به اعطای اعتبار به خانوارهای کم‌درآمد و بنگاه‌های کوچک دارند، در حالی که با بهبود توسعه مالی و گسترش خدمات متنوع و مقرون‌به‌صرفه، این محدودیت‌ها کاهش یافته و اثربخشی تسهیلات بانکی تقویت می‌شود (حسینی و نیکنام، ۱۴۰۳). افزون بر این، توسعه مالی صرفاً به افزایش حجم تسهیلات محدود نبوده و ارتقای کیفیت و تنوع خدمات مالی، توسعه بازارهای سرمایه، بیمه‌ها و نوآوری‌های مالی را نیز در بر می‌گیرد که می‌تواند به افزایش تاب‌آوری اقتصادی و کاهش فقر کمک کند (سید مسیح مولانا و همکاران، ۱۳۹۹). در کنار توسعه مالی، کیفیت حاکمیت نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان اثرگذاری تسهیلات بانکی بر کاهش فقر دارد. حاکمیت کارآمد از طریق شفافیت، پاسخگویی، کنترل فساد و بهبود کیفیت مقررات، تخصیص بهینه منابع مالی را تسهیل کرده و اعتماد عمومی به نهادهای مالی را افزایش می‌دهد، در حالی که ضعف حاکمیت می‌تواند اثرات فقرزدایی توسعه مالی را تضعیف کند (سیکاوال، ۲۰۲۴؛ فو و لیو، ۲۰۲۳). مطالعات بین‌المللی نیز نشان می‌دهد کشورهای با حاکمیت قوی‌تر، توانسته‌اند از توسعه مالی برای ایجاد اشتغال و کاهش فقر به‌طور مؤثرتری بهره ببرند (راجپوت و همکاران، ۲۰۲۳؛ وو، ۲۰۲۵). با توجه به ماهیت پیچیده و غیرخطی روابط میان توسعه مالی، تسهیلات بانکی، حاکمیت و فقر، استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی غیرخطی و آستانه‌ای برای تحلیل دقیق این روابط ضروری است. بر این اساس، پژوهش حاضر با تأکید بر اثرات آستانه‌ای توسعه مالی و تسهیلات بانکی و نقش کیفیت حاکمیت در کاهش فقر طراحی شده است.

۱. پیشینه پژوهش

پیشینه خارجی

مطالعات خارجی نشان می‌دهند که توسعه مالی، کیفیت نهادی و حکمرانی نقش مهمی در عملکرد اقتصادی، بازار کار و توزیع درآمد ایفا می‌کنند، اما اثرگذاری آن‌ها وابسته به سطح توسعه کشورها و ساختار نهادی است. عامر و همکاران (۲۰۲۵) با استفاده از روش-CS و ARDL و تحلیل مقایسه‌ای کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان می‌دهند که توسعه مالی و کیفیت نهادی در کشورهای در حال توسعه موجب تقویت رشد اقتصادی می‌شود، در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته می‌تواند به گسترش اقتصاد زیرزمینی منجر گردد. نتایج این مطالعه بر اهمیت هم‌افزایی میان توسعه مالی، کیفیت نهادی و رشد اقتصادی تأکید دارد. تورنتون و همکاران (۲۰۲۴) با بهره‌گیری از روش غیرخطی GMM و رویکرد آستانه‌ای، رابطه توسعه مالی و نابرابری درآمد را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که اثر توسعه مالی در دو سوی حد بهینه معنادار بوده و هزینه‌های ناشی از توسعه‌نیافتگی مالی بیش از هزینه‌های توسعه بیش‌ازحد آن است. در حوزه حکمرانی، نوگنو (۲۰۲۳) با بررسی ۵۴ کشور آفریقایی نشان می‌دهد که حکمرانی مطلوب اثر منفی و معناداری بر نرخ بیکاری دارد، در حالی که افزایش فساد موجب تشدید بیکاری می‌شود. یودین و رحمان (۲۰۲۳) نیز در مطالعه‌ای بر ۷۹ کشور در حال توسعه، تأثیر منفی حکمرانی مطلوب بر بیکاری و اثر مثبت آن بر رشد اقتصادی را تأیید می‌کنند. همچنین روناقی و سکورسون (۲۰۲۳) با بررسی ایالت‌های آمریکا نشان می‌دهند که بهبود حکمرانی موجب کاهش هم‌زمان بیکاری و فقر می‌شود. این مطالعات بر نقش تعیین‌کننده کیفیت حکمرانی در بهبود نتایج اقتصادی و اجتماعی تأکید دارند.

پیشینه داخلی

در مطالعات داخلی، توجه ویژه‌ای به نقش حکمرانی، سیاست‌های پولی و اعتباری و تسهیلات بانکی در بیکاری، فقر و نابرابری درآمد شده است. عمرسعید و همکاران (۱۴۰۳) با استفاده از رگرسیون کوانتایل نشان می‌دهند که حکمرانی مطلوب در تمامی دهک‌های نرخ بیکاری ایران اثر منفی و معنادار دارد. همچنین تولید ناخالص داخلی سرانه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موجب کاهش بیکاری شده‌اند، در حالی که اثر تورم و نرخ ارز حقیقی بسته به دهک متفاوت است. صبور و همکاران (۱۴۰۲) با استفاده از مدل ARDL نشان می‌دهند که سیاست پولی بهینه نقش معناداری در تعدیل نقدینگی و بهبود توزیع درآمد دارد. رضازاده و همکاران (۱۴۰۲) نیز با بهره‌گیری از الگوی VECM تأیید می‌کنند که افزایش تسهیلات قرض‌الحسنه اثر منفی و معناداری بر فقر در ایران داشته و می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر در سیاست‌های فقرزدایی مورد استفاده قرار گیرد. مطالعات استانی نشان می‌دهد که آثار تسهیلات و سپرده‌های بانکی بر فقر و نابرابری درآمد همواره مطلوب نبوده است. علوی‌راد و همکاران (۱۴۰۱) با استفاده از رگرسیون کوانتایل نشان می‌دهند که مانده تسهیلات و سپرده‌های بانکی در استان‌های ایران اثر مثبت و معناداری بر فقر و نابرابری درآمد داشته است. این نتایج بیانگر تخصیص ناکارآمد منابع اعتباری در برخی مناطق است. فخاریان و همکاران (۱۴۰۱) اثر مداخله اعتباری دولت از طریق بانک‌های تخصصی را بررسی کرده و نشان می‌دهند که تسهیلات این بانک‌ها اثر مثبت و معناداری بر رشد بخش‌های صنعت، کشاورزی و ساختمان داشته است، هرچند ماهیت دولتی بانک‌ها موجب کاهش کارایی این اثرات شده است. گودرزی و

خلیلی (۱۴۰۱) نیز با استفاده از رویکرد پنل VAR نشان می‌دهند که اعتبارات بودجه‌ای دولت اثر مثبتی بر رشد اقتصادی استان‌ها دارد، اما هم‌زمان موجب بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود؛ در حالی که سیاست پولی اثر قوی‌تری نسبت به سیاست مالی داشته است. در مجموع، پیشنهاد نظری و تجربی نشان می‌دهد که توسعه مالی، تسهیلات بانکی و کیفیت حکمرانی اثرات مهم اما ناهمگن و غیرخطی بر فقر، بیکاری، رشد اقتصادی و توزیع درآمد دارند. نتایج متناقض برخی مطالعات داخلی و خارجی بر ضرورت توجه به اثر آستانه‌ای توسعه مالی و نقش میانجی کیفیت حکمرانی تأکید می‌کند؛ خلایی که پژوهش حاضر با تمرکز بر کشورهای اسلامی منتخب و استفاده از رویکردهای غیرخطی در پی پر کردن آن است. اصل محمدیان قابلو همکاران (۱۴۰۳) به بررسی و مقایسه رشد حامی فقرا در کشورهای اسلامی با وفور منابع طبیعی پرداخته‌اند و توزیع مناسب منافع حاصل از منابع را در رشد فقرزدا موثر دانسته‌اند. در کنار اینها، برخی بررسی‌ها نیز با تمرکز بر شرایط ایران و نظام مالی آن، اثرات سیستم بانکی و تسهیلات را بر فقر بررسی کرده‌اند. در این زمینه نصیرخانی، و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر نهادهای اسلامی انفاق و فرض‌الحسنه بر کاهش فقر در ایران را بررسی کرده و این دو نهاد را بر کاهش فقر موثر یافته‌اند. موسایی و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی نقش بازار مالی در ایجاد و خروج از رکودتورمی با تأکید بر بانکداری اسلامی این چارچوب را بر افزایش رشد و منافع رفاهی آن موثر دانسته‌اند. مهرگان و خوش اخلاق (۱۳۹۵) نیز اثر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران (با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهک‌ها) ارزیابی کرده و تسهیلات قرض‌الحسنه را عامل کاهش نابرابری یافته‌اند.

۲. مبانی نظری

کاهش فقر به عنوان یکی از اهداف اساسی توسعه پایدار، به‌ویژه در کشورهای اسلامی منتخب، مسئله‌ای بنیادین و پیچیده است. در این میان، توسعه مالی و تسهیلات پرداختی از مهم‌ترین ابزارهای سیاستی به شمار می‌روند که می‌توانند از طریق ایجاد فرصت‌های اقتصادی و بهبود دسترسی اقشار کم‌درآمد به منابع مالی، به کاهش فقر کمک کنند. با این حال، ادبیات نظری نشان می‌دهد که اثر این متغیرها بر فقر خطی نبوده و ماهیتی غیرخطی و آستانه‌ای دارد؛ به این معنا که تنها پس از رسیدن توسعه مالی و تسهیلات پرداختی به سطحی مشخص، آثار مثبت و پایدار آن‌ها بر کاهش فقر نمایان می‌شود. از منظر نظری، توسعه مالی به فرایند ایجاد و تقویت زیرساخت‌ها و نهادهای مالی با هدف ارائه خدمات مالی متنوع، کارآمد و در دسترس برای تمامی اقشار جامعه اطلاق می‌شود. نظریه‌های کلاسیک و نوین رشد اقتصادی، توسعه مالی را عاملی مؤثر در افزایش پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تخصیص بهینه منابع می‌دانند که در نهایت به رشد اقتصادی و کاهش فقر منجر می‌شود. رویکردهای جدیدتر نیز بر کیفیت، تنوع و فراگیری خدمات مالی تأکید دارند و توسعه مالی را فراتر از افزایش صرف حجم اعتبارات تحلیل می‌کنند. تسهیلات پرداختی به عنوان یکی از اجزای اصلی توسعه مالی، شامل انواع اعتبارات اعطایی به خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی است و نقش مهمی در ارتقای سرمایه‌گذاری‌های مولد و بهبود وضعیت اقتصادی اقشار آسیب‌پذیر دارد. با این حال، نظریه‌های آستانه‌ای نشان می‌دهند که اثرگذاری این تسهیلات به سطح توسعه مالی، ساختار نظام مالی و شرایط نهادی وابسته است. در سطوح پایین توسعه مالی، اعتبارات محدود ممکن است به تخصیص ناکارآمد منابع یا بدهی‌های غیرمولد منجر

شود، در حالی که پس از عبور از یک حد آستانه، تسهیلات می‌توانند نقش مؤثری در کاهش فقر ایفا کنند. از این رو، شناسایی این آستانه‌ها برای سیاست‌گذاری مالی اهمیت ویژه‌ای دارد. در این چارچوب، کیفیت حاکمیت به‌عنوان عامل تسهیل‌کننده توسعه مالی کارآمد، نقش اساسی ایفا می‌کند. حاکمیت شامل ساختارهای نهادی، قانونی، شفاف و پاسخگو است که بر نحوه تخصیص تسهیلات، کنترل فساد، مدیریت ریسک اعتباری و اعتماد عمومی اثر می‌گذارد. دیدگاه‌های نهادگرایی نوین نشان می‌دهند که حاکمیت مطلوب با کاهش هزینه‌های تراکنش و بهبود فضای سرمایه‌گذاری، می‌تواند آستانه اثرگذاری توسعه مالی بر کاهش فقر را کاهش داده و کارایی تسهیلات پرداختی را افزایش دهد. مطالعات تجربی نیز مؤید آن است که کیفیت حاکمیت نقش میانجی در رابطه میان توسعه مالی و کاهش فقر دارد؛ به‌گونه‌ای که در کشورهایی با حاکمیت قوی، تسهیلات پرداختی به‌صورت هدفمندتر به اقشار آسیب‌پذیر تخصیص یافته و منجر به اشتغال‌زایی و افزایش درآمد می‌شود، در حالی که در کشورهایی با حاکمیت ضعیف، ناکارآمدی نهادی مانع تحقق این آثار مثبت می‌گردد. این موضوع در کشورهای اسلامی منتخب، با توجه به ویژگی‌هایی نظیر اقتصاد غیررسمی گسترده و نقش نهادهای مالی اسلامی، اهمیت دوچندان می‌یابد. در مجموع، چارچوب نظری این پژوهش بر سه محور استوار است: نظریه‌های توسعه مالی که بر نقش خدمات مالی در رشد و کاهش فقر تأکید دارند؛ نظریه‌های آستانه‌ای که ماهیت غیرخطی این روابط را تبیین می‌کنند؛ و نظریه‌های حاکمیت و نهادگرایی که کیفیت نهادی را شرط لازم برای اثربخشی توسعه مالی می‌دانند. تلفیق این رویکردها، چارچوبی منسجم برای تحلیل اثر توسعه مالی و تسهیلات پرداختی بر کاهش فقر با تأکید بر نقش حاکمیت در کشورهای اسلامی منتخب فراهم می‌سازد.

۳. روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از منظر هدف کاربردی و از داده‌ها تجربی می‌باشد. دوره زمانی تحقیق، سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۳ و در کشورهای منتخب اسلامی می‌باشد. در این پژوهش مطالعه بر روی نمونه‌ای از کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی (ICO) شامل؛ عربستان، ایران، نیجریه، قطر، مصر، ترکیه، مالزی، مراکش، اردون، عمان، بحرین و امارات است. هدف این مطالعه با پیروی از مطالعات کروفه و همکاران ۱ (۲۰۲۳)، اوفوری ۲ و همکاران (۲۰۲۲)، سیلوا و همکاران ۳ (۲۰۲۰)، آکیف دستک و همکاران ۴ (۲۰۲۰) و کاویا و شيجین ۵ (۲۰۱۹) اثرات آستانه‌ای تسهیلات بانکی و توسعه مالی بر کاهش فقر در کشورهای اسلامی منتخب؛ با تأکید بر پیامدهای حاکمیت است. با توجه به این‌که متغیر وابسته شاخص فقر (شکاف فقر) و متغیرهای توضیحی؛ تولید ناخالص داخلی سرانه، تسهیلات دریافتی، توسعه مالی، سطح تحصیلات، تورم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سطح فن‌آوری، کنترل فساد و کیفیت مقررات است، شکل عمومی مدل PSTR، به‌صورت زیر می‌باشد:

1 Mohamed Ali Chroufa et al (2023)

2 Ofori et al (2022)

3 Selva et al, 2020 (2020)

4 Mehmet Akif Destek, Avik Sinha & Samuel Asumadu Sarkodie (2020)

5 Kavya and Shijin, 2019 (2019)

(۱)

$$POV_{it} = \alpha_0 + \beta_1 Facilities_{it} + \beta_2 FD_{it} + \beta_3 CC_{it} + \beta_4 QR_{it} + \beta_5 INF_{it} + \beta_6 HC_{it} + \beta_7 ICT_{it} + \beta_8 FDI_{it} + \beta_9 GDP_{it} (\theta_1 Facilities_{it} + \theta_2 FD_{it} + \theta_3 CC_{it} + \theta_4 QR_{it} + \theta_5 INF_{it} + \theta_6 HC_{it} + \theta_7 ICT_{it} + \theta_8 FDI_{it} + \theta_9 GDP_{it}) F(S_t, \gamma, c) + u_t$$

که در آن تابع گذار F برابر است با:

$$F(\gamma, s_t, c) = (1 + FD\{-\gamma(s_t - c)\})^{-1}, \quad \gamma > 0$$

به منظور بررسی ویژگی‌های مدل STR با تابع انتقال لاجستیک بر اساس مدل وندیک^۱ (۱۹۹۹)، فرض می‌شود متغیر وابسته تنها تابعی از مقادیر وقفه‌دار خودش باشد. در این صورت با فرض یک تابع انتقال دو رژیمی رابطه زیر به دست می‌آید:

$$POV_t = (\theta_0 + \theta_1 POV_{t-1} + \dots + \theta_p POV_{t-p}) + (\phi_0 + \phi_1 POV_{t-1} + \dots + \phi_p POV_{t-p}) G(FD_t, \gamma, c) + u_t$$

$$G(FD_t, \gamma, c) = \frac{1}{1 + \exp\{-\gamma(FD_t - c)\}}$$

نتایج این مدل یک مدل LSTR دو رژیمی نامیده می‌شود که پارامتر مکان C نقطه‌ای از انتقال بین دو رژیم حدی $G(FD_T, \gamma, C) = 0$ و $G(FD_T, \gamma, C) = 1$ را نشان می‌دهد که $G(FD_T, \gamma, c) = 0.5$ است. γ نشانگر سرعت انتقال بین رژیم‌ها بوده و مقادیر بیش‌تر γ بیانگر تغییر سریع‌تر رژیم است. بازه زمانی مطالعه حاضر، داده‌های سالانه از ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۳ بوده و داده‌ها از سایت بانک جهانی استخراج شده است.

(POV) شاخص شکاف فقر به عنوان متغیر وابسته (به صورت میانگین فاصله افرادی که کمتر از ۳ دلار در روز درآمد دارند) (شکاف فقر ۳/۱۰ دلار در روز (PPP 2011) میانگین کسری درآمد یا مصرف از خط فقر ۳/۱۰ دلار در روز است که به عنوان درصد خط فقر بیان می‌شود. این معیار عمق فقر و همچنین بروز آن را منعکس می‌کند)^۲. FACILITIES_T بیانگر تسهیلات پرداختی بانک‌ها، FD_T بیانگر اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی به GDP به عنوان شاخص توسعه مالی، CC_T کنترل فساد؛ در رتبه‌بندی کشورها بر اساس معیار کنترل فساد از صدک رتبه (PERCENTILE RANK) که معیاری ما بین ۰ تا ۱۰۰ می‌باشد که هر چقدر رتبه کشورها به سمت ۱۰۰ نزدیک‌تر شود، نشان از بهبود شاخص کنترل فساد می‌باشد، استفاده می‌شود. QR_T بیانگر کیفیت مقررات؛ در رتبه‌بندی کشورها بر اساس معیار کیفیت مقررات از صدک رتبه (PERCENTILE RANK) که معیاری ما بین ۰ تا ۱۰۰ می‌باشد که هرچقدر رتبه کشورها به سمت ۱۰۰ نزدیک‌تر شود، نشان از بهبود شاخص کیفیت مقررات

1 Van Dijk (1999)

2 Poverty gap at \$3.10 a day (2011 PPP) is the mean shortfall in income or consumption from the poverty line \$3.10 a day (counting the no poor as having zero shortfall), expressed as a percentage of the poverty line. This measure reflects the depth of poverty as well as its incidence. As a result of revisions in PPP exchange rates, poverty rates for individual countries cannot be compared with poverty rates reported in earlier editions.

می‌باشد، استفاده می‌شود. INF: نرخ تورم، HC: سطح تحصیلات، ICT: شاخص توسعه فن‌آوری نوین: نشان‌دهنده شاخص توسعه فن‌آوری نوین است. این شاخص توسط اتحادیه جهانی مخابرات منتشر شده است و شامل سه مؤلفه اصلی دسترسی، استفاده و مهارت می‌باشد. رتبه‌بندی این شاخص بر اساس امتیاز صفر تا ده می‌باشد. امتیاز بالاتر به معنی بالا بودن درجه توسعه‌یافتگی ICT و امتیاز پایین‌تر به معنی پایین بودن درجه توسعه‌یافتگی ICT کشورها می‌باشد، FDI: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. GDPC: رشد تولید ناخالص داخلی سرانه (به قیمت ثابت ۲۰۱۵).

۴. تجزیه و تحلیل و یافته‌های پژوهش

در ابتدا و قبل از انجام آزمون هم‌انباشتگی پانلی جهت تعیین رابطه بلندمدت بین شاخص‌های اصلی مطالعه آزمون ریشه واحد لوین لین چو (LLC)، صورت می‌پذیرد.

جدول ۱: نتایج آزمون ریشه واحد برای متغیرها

علامت اختصاری	کشورهای منتخب		سطح پایایی	
	LLC W-stat			
	آماره محاسبه شده	سطح احتمال		
CC	-2.19740	0.0140	I(0)	
FACILITY	-4.95252	0.0000	I(0)	
FD	-3.05878	0.0011	I(0)	
FDI	-2.36711	0.0090	I(0)	
GDPC	-17.6855	0.0000	I(0)	
HC	-5.34999	0.0000	I(0)	
ICT	-2.63069	0.0043	I(0)	
INF	-2.74739	0.0030	I(0)	
POV	-6.43572	0.0000	I(0)	
QR	-4.99899	0.0000	I(0)	

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول ۱ و بررسی مقادیر آماره‌های محاسبه شده و احتمال پذیرش آنها نشان می‌دهد که همه متغیرهای تحقیق در سطح پایا می‌باشند.

۴-۱. آزمون همگرایی و تشخیصی

آزمون همگرایی پانل کائو

اغلب تئوری‌های اقتصادی رابطه بلندمدت بین متغیرها را به شکل سطح (LEVEL FORM) بیان می‌کنند. برای اطمینان از وجود یک رابطه بلندمدت میان متغیرهای موجود در مدل لازم است که آن متغیرهای پایا بوده و در غیر این صورت (ناپایا بودن) از درجه انباشتگی یکسانی برخوردار باشند. بدین ترتیب برای پی بردن به وجود یک رابطه بلند مدت میان متغیرها باید

پایایی و یا هم انباشتگی آنها را با استفاده از آزمون‌های مختلف بررسی نماییم. براین اساس اگر تشخیص دهیم باقیمانده‌های حاصل از رگرسیون‌های برآورده شده به صورت $I(0)$ یا ساکن باشند می‌توانیم از وجود یک رابطه بلند مدت میان متغیرها اطمینان حاصل نماییم. در مطالعه حاضر برای اطمینان از وجود رابطه تعادلی بلند مدت از آزمون هم انباشتگی پانل کائو استفاده شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون هم انباشتگی کائو

KAO TEST		
احتمال متناظر	آماره آزمون	
0.0000	-7.756027	ADF

منبع: یافته‌های پژوهش

همانطور که در جدول فوق نشان داده شده است با انجام آزمون هم انباشتگی پانلی بین متغیرهای تخمین زده شده وجود رابطه بین متغیرها در رگرسیون برآورده شده در کشورهای منتخب تأیید می‌شود. در آزمون هم انباشتگی فرضیه‌های آزمون به صورت زیر تعریف می‌شود:

H_0 : عدم هم انباشتگی

H_1 : تأیید هم انباشتگی میان متغیرها

با توجه به پایین بودن سطح معنی داری از ۰,۰۵، فرض صفر مبنی بر نبودن رابطه هم انباشتگی میان متغیرها قابل رد است و متغیرها در بلندمدت هم انباشته بوده و رابطه بلند مدت بین آنها وجود دارد.

آزمون تشخیصی مدل بهینه

برای تعیین نوع مدل بهینه مورد استفاده در داده‌های تلفیقی از آزمونهای مختلفی استفاده می‌شود. رایج‌ترین آنها آزمون چاو (CHOW) برای استفاده از مدل پانل دیتا در مقابل مدل برآوردی داده‌های ترکیب شده است. آزمون معنی داری اثرات ثابت (F) : اگر رگرسیون خطی پانل به صورت زیر باشد:

$$Y_{it} = \alpha_i + \beta_1 X_{1it} + \beta_2 X_{2it} + \dots + \beta_k Z_{kit} + e_{it}$$

که در آن: Y_{it} ارزش متغیر وابسته برای واحد i ام در دوره t ام، X_{jit} ارزش متغیر توضیحی j ام برای واحد i ام در دوره t ام می‌باشد. اختلاف بین مقاطع در α_i نشان داده می‌شود و در طول زمان ثابت فرض می‌شود. اگر فرض صفر بر این باشد که α_i برای تمام کشورها ثابت است، روش OLS تخمین‌های کارا و سازگاری از α و β بدست خواهد داد. ولی اگر فرض براین باشد که در بین مقاطع مختلف اختلاف وجود دارد، از روش Panel Data برای تخمین استفاده می‌شود. برای انجام آزمون فروض H_0 و H_1 بصورت زیر بیان می‌شود:

عرض از مبدا تمام مقاطع یکسان است: H_0

1. Chow Test
2. Fixed Effects Test

حداقل یک مقطع عرض از مبدا متفاوت دارد: H_1
 برای تعیین وجود (عدم وجود) عرض از مبدا جداگانه برای هر یک از مقاطع از آماره‌ی F به صورت زیر استفاده می‌شود. این آزمون، یک آزمون چاو ساده^۱ می‌باشد.

$$F_o = \frac{(RRSS - URSS)/(N - 1)}{URSS}$$

در رابطه فوق، UR مشخص کننده مدل غیر مقید و علامت R نشان دهنده مدل مقید با یک عبارت ثابت برای کلیه گروه‌ها می‌باشد. K تعداد متغیرهای توضیحی ملحوظ در مدل، n تعداد مقاطع و t بیانگر دوره زمانی می‌باشند. اگر F محاسبه شده از F جدول با درجه ی آزادی $N - 1$ و $N(T - 1) - K$ بزرگتر باشد؛ آنگاه فرضیه صفر رد می‌شود و لذا رگرسیون مقید دارای اعتبار نمی‌باشد و باید عرض از مبداهای مختلفی را در برآورد لحاظ نمود. سوال اساسی دیگری که پیش می‌آید این است که آیا تفاوت در عرض از مبداها به طور ثابت عمل می‌کند یا اینکه عملکرد های متفاوت می‌توانند این اختلاف بین واحدها را به طور واضح تری بیان کنند. (اشرف زاده و مهرگان، ۱۳۸۹، ۱۰۳) نتایج حاصل از آزمون لیمر در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون انتخاب نوع مدل

انتخاب مدل	نتیجه آزمون			نوع آزمون
	احتمال محاسباتی	درجه آزادی	آماره آزمون	
پانل دیتا	0.0000	(11,315)	16.298486	آزمون لیمر
	0.0000	11	151.380190	

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به جدول فوق و کمتر بودن احتمال محاسباتی از ۰/۰۵ می‌توان بیان داشت فرضیه صفر مبنی بر تخمین مدل با استفاده از روش پولینگ دیتا رد و نوع مدل تحقیق از نوع پانل دیتا انتخاب می‌شود.

۴-۲. آزمون خطی بودن، انتخاب متغیر انتقال و نوع مدل

برای بررسی وجود رابطه خطی یا غیرخطی بین متغیرهای مدل باید بررسی شود که آیا m تعداد پارامترهای رژیم یک است یا خیر. لازم به ذکر است که در آزمون‌های ذیل فرض بر آن است که مدل خطی است و فرض مقابل نیز مدل PSTR لجستیک ($m=1$) یا مدل PSTR نمایی ($m=2$) خواهد بود. نتایج آزمون تشخیص در جدول (۵) نشان می‌دهد که خطی بودن مدل (فرض صفر) رد می‌شود؛ بنابراین رابطه غیرخطی تسهیلات پرداختی و توسعه مالی بر کاهش فقر؛ آستانه توسعه مالی با تاکید بر پیامدهای حاکمیت در کشورهای منتخب وجود دارد و قاعداً برای برآورد پارامترهای مدل لازم است از روش PSTR استفاده شود.

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه خطی بودن مدل (آزمون BBC)

فرض صفر	آماره F	سطح معنی‌داری
آزمون والد	۳/۷۸۵	۰/۰۰۰
آزمون فیشر	۲/۶۳۸	۰/۰۰۱
آزمون LRT	۲/۹۵۷	۰/۰۱۲

منبع: یافته‌های پژوهش

همانگونه که در نتیجه آزمون انجام شده در جدول (۴) نیز مشهود است، فرضیه خطی بودن رابطه بین متغیرها مردود است، بنابراین احتمال وجود رابطه خطی بین متغیرها نفی می‌گردد. همچنین لازم به ذکر است که مدل (PSTR) پیشنهادی توسط متغیر انتقال انتخاب شده به عنوان مدل بهینه جهت برآورد مدل در کشورهای منتخب انتخاب می‌شود. برای این منظور به پیروی از گونزالز و همکاران (۲۰۰۵) و کولیتاز و هارولین (۲۰۰۶) فرضیه صفر وجود الگوی PSTR با یک تابع انتقال در مقابل فرضیه وجود الگوی PSTR با حداقل دو تابع انتقال مورد آزمون قرار گرفته که نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر کفایت لحاظ نمودن یک تابع انتقال در هر دو حالت وجود یک و دو حد آستانه‌ای رد نشده است؛ بنابراین یک تابع انتقال قادر به تصریح اثر تسهیلات پرداختی و توسعه مالی بر کاهش فقر؛ آستانه توسعه مالی با تاکید بر پیامدهای حاکمیت است.

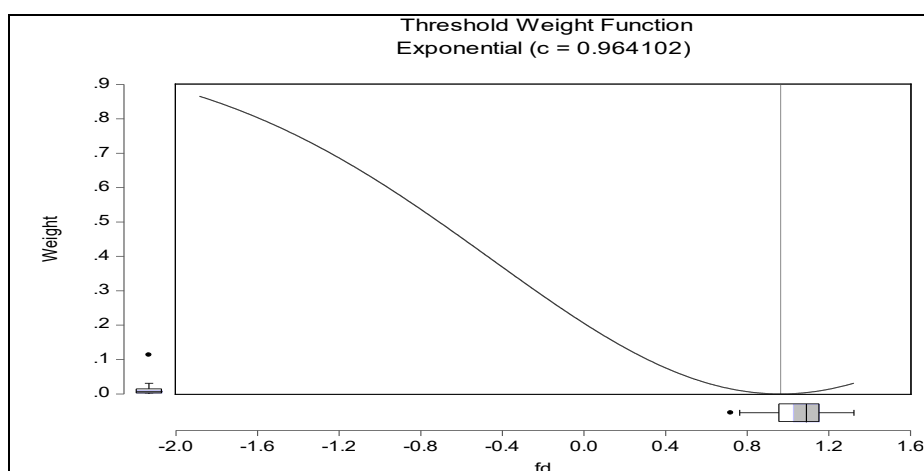
جدول ۵: آزمون وجود رابطه غیرخطی باقیمانده

حالت وجود یک حد آستانه M=1			حالت وجود دو حد آستانه M=2		
کشورهای منتخب					
LMw	LMf	LR	LMw	LMf	LR
۱/۳۵۲ (۰/۷۴۳)	۱/۴۷۱ (۰/۶۳۰)	۱/۴۳۲ (۰/۶۵۴)	۱/۴۲۵ (۰/۶۷۵)	۱/۳۶۲ (۰/۷۵۱)	۱/۲۹۷ (۰/۸۰۲)
$H_0: r=1, H_1: r=2$					

منبع: یافته‌های پژوهش

با تأیید وجود رابطه غیرخطی میان متغیرها و کفایت نمودن یک تابع انتقال برای تصریح رفتار غیرخطی در ادامه باید حالت بهینه میان تابع انتقال با یک یا دو حد آستانه‌ای انتخاب گردد. برای این منظور مدل PSTR متناظر با هر یک از این حالت‌ها برآورد خواهد شد و از میان آنها بر اساس معیارهای مجموع مجذور باقی‌مانده‌ها، شوارتز و آکائیک مدل PSTR با لحاظ یک حد آستانه‌ای مدل بهینه است؛ لذا یک مدل PSTR با یک تابع انتقال و یک حد آستانه‌ای برای بررسی رفتار غیرخطی میان متغیرهای مورد مطالعه انتخاب می‌گردد. با توجه به تأیید مدل غیرخطی در ادامه به تحلیل نتایج بخش غیرخطی مدل پرداخته می‌شود. مطابق با نتیجه تخمین مدل در قسمت غیرخطی ضریب متغیرهای تسهیلات پرداختی و شاخص توسعه مالی به ترتیب برابرند با ۰,۱۱- و ۰,۹۷- می‌باشند که نشان از تأثیر معکوس این متغیرها بر شاخص فقر دارند و احتمالات محاسباتی برای این ضرایب به ترتیب عبارتند از

مقایسه ضرایب در دو رژیم مختلف بر اساس متغیر انتقال و مقادیر آن صورت می‌پذیرد و مقدار متغیر انتقال می‌تواند تابع انتقال و در نتیجه رژیم حاکم را تعیین نماید. در تخمین فوق متغیر انتقال توسعه مالی می‌باشد که مقدار حد آستانه برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۹۶ درصد برای کشورهای منتخب بوده است. بر اساس فاصله توسعه مالی از این مقدار آستانه الگو از دو رژیم حدی مختلف تبعیت می‌نماید. با مقایسه ضرایب الگو در دو رژیم مختلف ملاحظه می‌گردد که با عبور توسعه مالی از حد آستانه (۰/۹۶) (انتقال از بخش خطی به غیرخطی) واکنش شاخص فقر به تغییرات این متغیر به شدت افزایش یافته، بدین ترتیب که هر چه وضعیت تسهیلات پرداختی و توسعه مالی بهبود یابد، شکاف فقر با عکس‌العمل بیشتر به آن اثر می‌پذیرد.



نمودار ۱: ارتباط بین تابع انتقال و متغیر انتقال

منبع: یافته‌های پژوهش

۳-۴. آزمون‌های خود همبستگی

در مطالعه حاضر از آزمون دوربین و اتسون برای بررسی خود همبستگی استفاده می‌شود.

جدول ۷: نتایج آزمون خود همبستگی

دوربین و اتسون	Prob	آماره F	
۲/۲۳۶	۰/۶۹	۱/۲۳۵	کشورهای منتخب

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول فوق مشهود است، نتایج آزمون خود همبستگی دوربین و اتسون نشان می‌دهد، بین اجزای اخلاص همبستگی وجود ندارد، بنابراین فرض سوم استاندارد کلاسیک مبنی بر عدم خود همبستگی بین جملات خطا نقض نمی‌گردد. از این رو تخمین‌زنده‌ها از ویژگی‌های لازم (حداقل واریانس و کارایی) برخوردارند.

یکی دیگر از فروض استاندارد کلاسیک فرض واریانس همسانی است، در مطالعه حاضر از آزمون بروس - پاگان - گادفری استفاده می‌شود.

جدول ۸: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

کشورهای منتخب	آماره F	Prob	بروش - پاگان - گادفری
	۱/۲۹۸	۰/۵۵۶	۱/۳۲۷

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌گردد، نتایج آزمون حکایت از عدم وجود ناهمسانی واریانس دارند.

آزمون ثابت ماندن ضرایب بین دو رژیم

از دیگر سنجه‌های مناسب برای ارزیابی کیفیت مدل تخمین زده شده، بررسی تغییرات ضرایب بین دو رژیم است. در صورتی که مدل برآورد شده تخمین مناسبی باشد، انتظار می‌رود ضرایب با تغییر رژیم ثابت و بدون تغییر باقی بمانند.

جدول ۹: نتایج آزمون ثبات پارامتر انتقال هموار

کشورهای منتخب	فرض صفر	آماره F	Prob
	$b1=b2=b3=b4=0$	۰/۷۴۵	۰/۷۵۴
	$b1=b2=b3=0$	۰/۷۹۸	۰/۷۱۲
	$b1=b2=0$	۰/۸۲۱	۰/۶۹۵
	$b1=0$	۰/۸۳۶	۰/۶۷۴

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول نیز مشهود است، آزمون ثابت ماندن ضرایب بین دو رژیم نشان می‌دهد ضرایب در اثر تغییر رژیم تغییر نمی‌کنند.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثرات آستانه‌ای تسهیلات پرداختی و توسعه مالی بر کاهش فقر انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که نقش نظام مالی در بهبود وضعیت اقتصادی اقشار کم‌درآمد تنها به افزایش دسترسی به منابع مالی محدود نمی‌شود، بلکه عبور از سطحی مشخص از توسعه مالی و حجم تسهیلات پرداختی شرط لازم برای تحقق آثار معنادار در کاهش فقر است. در سطوح پایین توسعه مالی، تسهیلات بانکی به دلیل ضعف زیرساخت‌های نهادی، هزینه‌های بالای مبادله، محدودیت‌های اعتباری و تخصیص نامناسب، اثرگذاری محدودی بر فقر دارد و در برخی موارد حتی می‌تواند به نفع گروه‌های برخوردارتر هدایت شود. در مقابل، پس از عبور از آستانه تعیین‌شده، تسهیلات پرداختی می‌تواند با ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش درآمد و تقویت توان اقتصادی خانوارهای کم‌درآمد، روند فقرزدایی را به‌طور محسوسی تسریع کند. یافته‌ها همچنین بیانگر آن است که توسعه مالی و تسهیلات بانکی به‌صورت مکمل عمل می‌کنند

و اثرگذاری هر یک بدون تقویت دیگری محدود خواهد بود. توسعه مالی از طریق گسترش دسترسی به خدمات مالی، بهبود تنوع و کیفیت ابزارهای مالی و افزایش کارایی نظام اعتباری، زمینه استفاده مؤثرتر از تسهیلات بانکی را فراهم می‌سازد. در مقابل، اعطای تسهیلات بدون وجود زیرساخت‌های مالی کارآمد، نمی‌تواند به کاهش پایدار فقر منجر شود. از این‌رو، تنها اجرای هم‌زمان و هماهنگ سیاست‌های اعتباری و توسعه‌ای است که می‌تواند موجب عبور از آستانه بهره‌مندی اقتصادی و تحقق آثار ملموس فقرزدایی گردد. در غیر این صورت، توزیع ناکارآمد منابع مالی می‌تواند حتی به تثبیت یا تشدید فقر بینجامد. نتایج پژوهش بر نقش کلیدی کیفیت حکمرانی در تقویت اثرات توسعه مالی و تسهیلات پرداختی تأکید دارد. بهبود شاخص‌هایی نظیر کنترل فساد و کیفیت مقررات، با کاهش انحراف منابع، افزایش شفافیت و تقویت اعتماد به نهادهای مالی، زمینه استفاده بهینه از تسهیلات بانکی را فراهم می‌کند. شواهد نشان می‌دهد که در سطوح بالاتر حکمرانی مطلوب، آستانه اثرگذاری توسعه مالی بر کاهش فقر کاهش یافته و شدت این اثر افزایش می‌یابد. بنابراین، اصلاحات نهادی و تقویت سازوکارهای نظارتی می‌تواند به‌عنوان مکمل سیاست‌های مالی و اعتباری عمل کند. افزون بر این، متغیرهای کلان اقتصادی از جمله نرخ تورم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تولید ناخالص داخلی سرانه نقش مهمی در کاهش فقر ایفا می‌کنند. کنترل تورم، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ارتقای رشد اقتصادی می‌تواند اثرگذاری تسهیلات بانکی را تقویت نماید. همچنین، نتایج بر اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش و توسعه فناوری‌های نوین تأکید دارد، چراکه این عوامل با افزایش بهره‌وری نیروی کار و ایجاد فرصت‌های درآمدی پایدار، زمینه فقرزدایی بلندمدت را فراهم می‌سازند. در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهد که برای کاهش پایدار فقر، سیاست‌گذاران باید رویکردی یکپارچه اتخاذ کنند که در آن توسعه نظام مالی جامع، اعطای تسهیلات هدفمند به اقشار کم‌درآمد، بهبود کیفیت حکمرانی و تقویت عوامل مکمل اقتصادی به‌صورت هم‌زمان دنبال شود. افزایش هماهنگی میان بانک‌ها، نهادهای دولتی و سازمان‌های نظارتی می‌تواند اثربخشی سیاست‌های کاهش فقر را افزایش داده و امکان بهره‌برداری حداکثری از اثرات آستانه‌ای توسعه مالی و تسهیلات پرداختی را فراهم سازد.

منابع

۱. اسدی، مهدی، و قادری، حسین (۱۴۰۲). رابطه توسعه مالی و توزیع درآمد در کشورهای اسلامی منتخب. مجله مطالعات اقتصادی، ۳۰(۴)، ۱۵۰-۱۷۳.
۲. اصل محمدیان قابل، بهزاد، متفکرآزاد، محمدعلی، آقاجانی، و حبیب، خیراللهی زکی، هادی (۱۴۰۳). بررسی و مقایسه رشد حامی فقرا در کشورهای اسلامی با وفور منابع طبیعی، اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، صص ۳۶۱-۳۸۸.
۳. بیگی، هواس، سایه میری، فاطمه، علی، و مریدیان، علی (۱۴۰۳). بررسی وجود رابطه نامتقارن بین توسعه مالی و منابع طبیعی در اقتصاد ایران. نشریه محیط زیست طبیعی، ۷۵(۴)، ۶۰۰-۶۱۲.
۴. جعفری، مهدی، عمادی، سید جواد، و رمضان پور، اسماعیل (۱۴۰۰). بررسی تأثیر هم‌زمان سیاست‌های پولی و مالی بر فقر در ایران. اقتصاد کاربردی، ۱۱(۳۶) (بهار ۱۴۰۰)، ۳۹-۵۱.
۵. حسینی، فاطمه، و نیکنام، سارا (۱۴۰۳). تحلیل اثرات سیاست‌های مالی بر فقرزدایی در کشورهای با اقتصاد نفتی. فصلنامه سیاست‌های اقتصادی، ۲۰(۱)، ۴۵-۶۸.
۶. سعید، سردار عمر، قادری، سامان، مظفری، زانا، امانی، رامین (۱۴۰۳)، حکمرانی مطلوب و نرخ بیکاری در ایران. فصلنامه مجلس و اقتصاد، سال دوم، شماره ۱.
۷. صبور، امیر، ربیعی، مهناز، زندی، فاطمه، و شکوری، بهرام (۱۴۰۲). تأثیر سیاست پولی بهینه بر نقدینگی و فقر. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۲(۴۲): ۳۸۷-۴۰۵.
۸. موسایی، میثم، خانی‌فریه‌گی، نوشین، و افضل‌ی ابرقویی، وجیهه (۱۳۹۷). نقش بازار مالی در ایجاد و خروج از رکودتورمی با تأکید بر بانکداری اسلامی، اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۲، صص ۱۱۵۰-۱۳۰.
۹. مولانا، سید مسیح، نجفی زاده، عباس، سرلک، احمد، و حاجی، غلامعلی (۱۳۹۹)، بررسی اثرات توسعه مالی بر فقر نسبی در مناطق شهری ایران؛ شواهدی از الگوی رگرسیون انتقال ملایم، فصلنامه علمی پژوهشنامه اقتصادی، سال بیستم، شماره ۷۷، صص ۱۶۲-۱۲۹.
۱۰. مهرگان، نادر، و خوش اخلاق، مهدی (۱۳۹۵). اثر تسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران (با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهک‌ها)، اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۶، ۹۳-۱۱۹.
۱۱. نصیرخانی، پرویز، عزتی، مرتضی، و نظام‌پرست، رضوانه (۱۳۹۷). تأثیر نهادهای اسلامی اتفاق و قرض‌الحسنه بر کاهش فقر در ایران، اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۲۲۱-۲۳۶.
12. Ahmadzadeh, K. Manochchri, S. Amani, R. & Samadipour, S. (2022). Climate Change, Trade and Income Inequality: A Quantile Panel Regression Approach. Journal of Economics and Modelling, 13(1), 57-92. doi: 10.29252/jem.2022.227221.1755 (In Persian).
13. Ali Khoshniat, Mohammad Zarei 2023. The functions of development banks in poverty alleviation in economically disadvantaged areas of I.R.I. Bi-quarterly Journal of "Religion, Management & Governance", Research Article, Vol 2, No 1 (Serial 3), Summer & Autumn 2023, pp. 52-69.

14. Ali, S. Yusop, Z. Kaliappan, S. R. Chin, L. & Meo, M. S. (2022). Impact of trade openness, human capital, public expenditure and institutional performance on unemployment: evidence from OIC countries. *International Journal of Manpower*, 43(5), 1108-1125.
15. Azamat, Ostonokulov, Sattoriy Fayzullokh, and Abdullayeva Nilufar. 2023. "The Impact of Entrepreneurship on Poverty Reduction." *International Journal of Professional Business Review: Int. J. Prof. Bus. Rev.*, 8(3): 9
16. Bayar AA (2023) The impact of financial development on income inequality and poverty. *PLoS ONE* 18(10): e0291651. [https://doi.org/ 10.1371/journal.pone.0291651](https://doi.org/10.1371/journal.pone.0291651)
17. Bolarinwa Segun Thompson, Olumide Olusegun Olaoye, Wajahat Ullah, and Babatunde Agbi. 2022. "Does Financial Development Really Matter for Poverty Reduction in Africa?", *Forum for Social Economics*, 51(4): 415-432, DOI: 10.1080/07360932.2021.1896564.
18. Chisadza C. and Biyase M. (2023). Financial Development and Income Inequality: Evidence from Advanced, Emerging and Developing Economies. *Annals of Financial Economics*. 18 (1), 2241002.
19. Cook, C. J. Howard, S. J. Cuartas, J. Makaula, H. Merkley, R. Mshudulu, M. ... & Draper, C. E. (2022). Child exposure to violence and self-regulation in South African preschool-age children from low-income settings. *Child Abuse & Neglect*, 134, 105944.
20. Fu, Y., & Liu, L. (2023). On the accessibility of financial services and income inequality: an international perspective. *Technological and Economic Development of Economy*, 29(3), 814–845.
21. Li, Kaodui, Easmond Baah Nketia, Yusheng Kong and Michael Appiah. 2023. "An Introspective Analysis of Inclusive Growth in Africa, With an Eminence on the Influence of Governance and Financial Development Interaction", *Sage Open*, 13(2). <https://doi.org/10.1177/21582440231166341>.
22. Manta, A. G., Badareu, G., Florea, I. A., Staicu, A. L., & Lepădat, C. V. M. (2023). How Much Financial Development Accentuates Income Inequality in Central and Eastern European Countries? *Sustainability*, 15(18), 13942.
23. Rajput, S. M., Javaid, M. N., & Junaid, A. (2023). Financial Development and Income Inequality: A U-shaped Relationship. *Asian Journal of Applied Economics*, 30(2), 38–53.
24. Sikhawal, S. (2024). The non-linear impact of financial development on income inequality: evidence from dynamic panel threshold model. *Journal of Economic Studies*, 51(3), 667–691.
25. Wu, H. (2025). The Impact of Financial Development on Income Inequality in BRICS Nations- ADID Panel Data Analysis. *Advances in Economics, Management and Political Sciences*, 159.